

توسعه در دو راه آزادی و اخلاق

سیر تحول شاخص توسعه در اقتصاد غرب و نسبت آن با تاریخ توسعه

محمد جواد توکلی

اشاره

یکی از طرق مدیریت توسعه در سطح جهانی و ملی، چگونگی تعریف و تعیین شاخص‌های توسعه یافتگی است. همواره این سوال مطرح است که چرا با وجود ثبات نسبی در مفهوم آرمانی توسعه، شاخص‌های معین شده از سوی نهادهای بین‌المللی متولی توسعه، دائماً تغییراتی داشته‌اند. جهت‌گیری این تغییرات به کدام سو بوده است؟ باید دید که این تغییرات ناشی از ناکارآمدی در سنجش توسعه است و یا به تغییر جهت‌گیری در توسعه مربوط است. آیا نگاه حاکم بر طراحی این شاخص‌ها، حامی کشورهای توسعه یافته و متناسب با مسائل و اقتضائات تاریخی و جغرافیایی آن‌ها نیست؟ اینکه به سادگی وضعیت توسعه در کشورمان را با شاخص‌های موجود جهانی بسنجیم و از این طریق خود را ارزیابی کنیم، نه تنها فهم از وضع موجودمان را، بلکه درک از وضع مطلوب را تحت تأثیر قرار می‌دهد. توجه به سیر تحول شاخص‌های توسعه و ساز و کار شاخص‌سازی، مسارادر هدایت جهت‌گیری توسعه‌ی اسلامی-ایرانی کشور باری کرده و مانع فروغلتیدن نامحسوس در مسیر توسعه‌ی غربی می‌شود.

مطالعات فرهنگی
انجام علوم انسانی

چرا اقتصاددانان توسعه، ابتدا بر شاخص‌هایی چون تولید ناخالص داخلی به عنوان معیار توسعه تکیه می‌کردند و سپس در چرخشی ۱۸۰ درجه‌ای، به سمت شاخص‌های انسانی توسعه روی آوردند. عدول اقتصاددانان توسعه از شاخص‌های صرفاً اقتصادی و توجه به شاخص‌های ترکیبی (مشمول بر شاخص‌های اجتماعی و فرهنگی) نیز بر جنبه‌های ابهام ماجرا می‌افزاید. به راستی ریشه‌ی این تحولات اساسی در تعریف و استخراج شاخص‌های توسعه، چیست؟

از رویکردهای توسعه تا شاخص‌های پیشرفت

حرکت از شاخص فیزیکی توسعه به سمت شاخص‌های کیفی و انسانی و همچنین عدول از شاخص‌های تکی و طراحی شاخص‌های ترکیبی، به طور عمده معلول تغییر در نظریه‌ها و جهت‌گیری‌ها در تعریف توسعه است. این تغییر رویکرد از طرفی مرتبط با تغییر در رویکردهای فلسفی مرتبط با توسعه است و از طرف دیگر، مشکلات پیش آمده در مسیر پیشرفت کشورهای توسعه‌یافته و کمتر توسعه‌یافته نیز به تغییر نگرش‌ها کمک کرده است. برآیند آن، تعریف توسعه بر اساس ابعاد مختلف اجتماعی آن و به تبع، شکل‌گیری شاخص‌های اجتماعی ترکیبی بوده است.

الف) ریشه‌های فلسفی تحول در شاخص‌های پیشرفت

رویکرد به توسعه	معیارهای ارزیابی	نماگرها	شاخص
توسعه به مثابه رشد	افزایش سطح محصولات	تولید ناخالص ملی	تولید ناخالص ملی
توسعه به مثابه توانمندی	توانمندی انسانی (دانش، سلامت، ثروت)	امید به زندگی، نرخ باسوادی، درآمد ملی سرانه	شاخص توسعه انسانی
توسعه به مثابه آزادی	توسعه به مثابه آزادی	کارکردها و آزادی‌ها	؟

نگاهی به مباحث مطالعات توسعه نشان می‌دهد که مفهوم توسعه و شاخص‌های آن در گذر تاریخ دچار تحولات چشمگیری شده است (رک به: استوار ۱۳۷۷، هانت ۱۳۷۶، لومفرت ۱۳۷۶، همبرگ ۱۳۷۵، گریفن ۱۳۷۵، متوسلی ۱۳۸۲، خلیلیان ۱۳۸۶). تاکید اولیه اقتصاددانان بر رشد اقتصادی، زمینه‌ساز مطرح شدن رشد تولید ناخالص داخلی به عنوان شاخص پیشرفت بوده است. این ایده در دهه‌های ۱۹۶۰ تا ۱۹۶۰ در قالب مکتب نوسازی ظهور و بروز پیدا کرد. در سال‌های ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۰ به تدریج رویکردهای انسان‌گرایانه به توسعه شکل گرفت و مفاهیمی چون «توسعه‌ی یکپارچه» و «نیازهای اساسی» در ادبیات توسعه وارد شدند. این تحول فکری زمینه‌ساز شکل‌گیری مکاتب ساختارگرا در توسعه بود که بر مسائل رفع فقر و توزیع عادلانه‌ی درآمد، در

جریان توسعه تاکید می‌کردند (رک: عیسوی ۱۳۷۹، توکلی ۱۳۹۰). دهه‌ی ۱۹۹۰ شاهد تحولی اساسی در زمینه‌تدوین شاخص‌های توسعه، بر اساس رویکرد انسان‌گرایانه بود. گروهی از محققان اقتصادی به سرپرستی محب الحق، اندیشه‌های «آمارتیا سن» در زمینه توسعه را در قالب شاخص توسعه انسانی فرمول‌بندی کردند. در این رویکرد جدید، پیشرفت دستخوش نوعی تحول مفهومی شد و از معنای رشد کمی منابع جامعه به رشد کیفی فعالان اقتصادی (نیروی انسانی) تغییر معنا یافت (رک: Sen ۱۹۹۹، ۲۸۲-۹۸). شاخص توسعه انسانی از سال ۲۰۰۱ به صورت سالانه توسط سازمان ملل متحد برای بیشتر کشورهای دنیا محاسبه و منتشر می‌شود. در کنار این شاخص یکپارچه، بانک جهانی نیز هر ساله ۴۲۰ نماگر پیشرفت را در زمینه‌های مختلف برای حدود ۲۰۹ کشور جهان منتشر می‌کند. این نماگرها گستره‌ی وسیعی از معیارهای توسعه از جمله توسعه روستایی، توسعه شهری، توسعه اجتماعی، و توسعه زیربنایی را شامل می‌شوند (رک: توکلی ۱۳۹۰).

توجه به تغییرات چشمگیر در نماگرها و شاخص‌های توسعه در چند دهه اخیر، محققان اقتصادی را با این سوال مواجه می‌کند که دلیل این تغییرات شدید در نماگرها و شاخص‌های توسعه چیست؟

دو نگاه

توجه به تغییرات چشمگیر در نماگرها و شاخص‌های توسعه در چند دهه اخیر، محققان اقتصادی را با این سوال مواجه می‌کند که دلیل این تغییرات شدید در نماگرها و شاخص‌های توسعه چیست؟ چرا اقتصاددانان توسعه، ابتدا بر شاخص‌هایی چون تولید ناخالص داخلی به عنوان معیار توسعه تکیه می‌کردند و سپس در چرخشی ۱۸۰ درجه‌ای، به سمت شاخص‌های انسانی توسعه روی آوردند. عدول اقتصاددانان توسعه از شاخص‌های صرفاً اقتصادی و توجه به شاخص‌های ترکیبی نیز بر جنبه‌های ابهام ماجرا می‌افزاید.

به منظور ردگیری تاثیر رویکردهای فلسفی در تعریف توسعه و استخراج شاخص‌های آن، تمایز میان دو رویکرد پیامدگرا و انسان‌گرا در توسعه ضروری است. در رویکرد پیامدگرا، توسعه و توسعه‌یافتگی جوامع را باید با توجه به آثار و نتایج آن سنجید. بر این اساس، جامعه‌ای توسعه‌یافته است که در آن کالاها و خدمات بیشتری تولید شود و مردم از آن بهره‌مند شوند. این نگاه به توسعه، ریشه در مبانی فلسفه اخلاقی مکاتب مطلوبیت‌گرا^۱ و پیامدگرا^۲ دارد.

در مقابل، طرفداران رویکرد انسان‌گرا، جامعه‌ای را توسعه یافته می‌دانند که افراد آن توانمندتر و برخوردارتر شده باشند. رویکرد انسان‌گرا به توسعه، از طرفی ناشی از تضعیف مکاتب مطلوبیت‌گرایی و پیامدگرایی و از طرف دیگر تقویت رویکردهای وظیفه‌گرایی کانتی و به خصوص فضیلت‌گرایی ارسطویی در ادبیات فلسفه اخلاق غرب می‌باشد. به طور نمونه، آمارتیا سن در آثار خود ضمن نقد شدید رویکرد مطلوبیت‌گرایی و لذت‌گرایی در اقتصاد متعارف، به گسترش رویکرد وظیفه‌گرایی کانت در ادبیات اقتصادی روی می‌آورد. نمره‌ی این رویکرد، از طرفی احیای دغدغه‌های اخلاقی در نظریات اقتصادی سن است که در قالب تحلیل مفهومی چون تعهد^۳ نمود یافته است. از سوی دیگر، این

رویکرد فلسفی سن، زمینه ساز ارائه رویکرد قابلیت^۲، در ادبیات توسعه می‌باشد. در مقابل، متفکرانی چون مارتا نازبام^۳ (۱۹۹۳) و مکلاسکی^۴، سعی در گسترش ایده اخلاق فضیلت به جای رویکردهای مطلوبیت‌گرایانه و پیامدگرایانه داشته‌اند.

با توجه به تمایز میان رویکردهای پیامدگرا و انسان‌گرا به توسعه، سه دیدگاه اساسی در تعریف توسعه و تبیین شاخص‌های آن قابل تفکیک‌اند:

الف) رویکرد توسعه به مثابه رشد^۵: در این رویکرد توسعه یافتگی جوامع بر مبنای میزان تولید کالاها و خدمات تعریف می‌شود. این معیار توسط نامگر محصول ناخالص ملی اندازه‌گیری می‌شود. با توجه به تک بعدی بودن معیار توسعه، شاخص یکپارچه پیشرفت نیز چیزی جز میزان و یا نرخ رشد محصول ناخالص ملی نیست. ب) رویکرد توسعه به مثابه توانمندی^۶: در دهه ۸۰ و ۹۰ میلادی اقتصاددانانی چون آمارتیا سن، به نقد مفهوم فیزیکی و پیامدگرایانه توسعه پرداختند. در نظر آن‌ها نباید توسعه یافتگی را بر اساس محصولات تولیدی ارزیابی کرد، بلکه توسعه یافتگی با قابلیت‌های انسانی مرتبط است. بر اساس این رویکرد انسان‌گرایانه، جامعه‌ای توسعه یافته است که شهروندان آن در زمینه‌های علمی، درآمدی، و بهداشتی از توانمندی بالایی برخوردار باشند.

ج) رویکرد توسعه به مثابه آزادی^۷: در سال‌های اخیر برخی از متفکران غربی تلاش کرده‌اند که توسعه را بر اساس مبانی لیبرالیستی فرهنگ غرب باز تعریف کنند. آمارتیا سن در کتاب خود با عنوان «توسعه به مثابه آزادی»، ضمن بسط و گسترش رویکرد قابلیت^۸، اولین گام‌ها را در زمینه تعریف توسعه بر اساس آزادی برداشته است. او مفهوم قابلیت^۹ را با توجه به دو مولفه «کارکردها» و «آزادی» تفسیر می‌کند. در نظر او، کارکردها، موفقیت‌ها، توانایی‌ها و امکاناتی است که انسان از داشتن آن‌ها، رضایت خاطر کسب می‌کند. سن با تفکیک آزادی منفی (نبودن منع قانونی) و آزادی مثبت (امکان استفاده از آزادی)، آزادی را به صورت توأمان، هدف و ابزار توسعه تلقی می‌کند (رک: Sen ۱۹۹۹)^{۱۰}. در این چارچوب فکری جامعه‌ای توسعه یافته است که مردمان آن احساس آزادی بیشتری کنند. گرچه سن با تفکیک میان آزادی مثبت و منفی، تلاش می‌کند تا میان ایده توانمندسازی و آزادی ارتباط برقرار کند؛ روح حاکم بر بحث سن تعریف توسعه در چارچوب نظام لیبرالیستی است. آمارتیا سن تلاش‌های مقدماتی را برای تدوین این شاخص توسعه برداشته است؛ ولی این تلاش مقدماتی هنوز به مرحله تدوین شاخص جامع توسعه نرسیده است. در این زمینه، سن رویافت‌هایی در زمینه‌هایی چون تبعیض میان زن و مرد، قومیت‌ها و پیروان مذاهب در فصل‌های هشتم و دهم کتاب خود آورده است.

بعید نیست که در دهه‌های پیش رو، فرمول‌بندی جدید سن از توسعه بر مبنای آزادی، به صورت شاخص‌های عینی از توسعه نمایان شود. اگر توسعه به مفهوم برخوردار شدن بیشتر از آزادی (آزادی مثبت) تعریف شود، این تفسیر ممکن است بریدگی از بسیاری از سنت‌های اجتماعی، فرهنگی و مذهبی را نیز در قالب مفهوم توسعه به مثابه آزادی، فرمول‌بندی کند. در این چارچوب دور از ذهن نیست که بسیاری از جلوه‌های آزادی، به مفهوم غربی آن، به عنوان بخشی از مشخصه‌های علمی توسعه و پیشرفت در دنیای پست‌مدرن معرفی شوند.

ب) ریشه‌های اقتصادی تحول در شاخص‌های پیشرفت تغییر جهت‌گیری در تدوین شاخص‌های توسعه، از تحولات و تجارب توسعه‌ای کشورهای پیشرفته و در حال توسعه نیز متأثر بوده است. در مراحل اولیه صنعتی شدن کشورهای توسعه یافته، عمده‌ی توجهات به بازسازی خرابی‌های ناشی از جنگ‌های جهانی و افزایش سطح محصولات بود. با افزایش سطح رفاه افراد در جوامع توسعه یافته و اشباع بازارهای مصرف داخلی، آنان رو به بازارهای بیرون مرزی آوردند. با توجه به توان پایین کشورهای هدف صادرات برای خریداری کالاهای مازاد کشورهای توسعه یافته، توجهات به فقر جهانی و مشکلات کشورهای کمتر توسعه یافته جلب شد (رک: متوسلی ۱۳۸۲). این مساله در شاخص‌های توسعه، با تعدیل شاخص توانمندی درآمدی با ابزارهایی چون ضریب جینی نمود پیدا کرده است. بانک جهانی نیز در شاخص‌های توسعه‌ای خود، نامگر فقر^{۱۱} را به عنوان یکی از شاخص‌های توسعه مطرح کرده است.

در دهه ۱۹۸۰، ظاهر شدن آسیب‌های زیست محیطی در کشورهای صنعتی، بحث از توسعه پایدار^{۱۲} را بر سر زبان‌ها انداخت. این رویکرد جدید به توسعه، موجب شکل‌گیری تلاش‌هایی برای تدوین شاخص‌های توسعه پایدار شد (رک: لیوت ۱۳۸۸).

نماگرها و شاخص توسعه در آینده به کدام سو می‌روند؟ اکنون این پرسش مطرح است که آیا محققان توسعه در آینده در سطح مفاهیمی چون قابلیت و آزادی باقی می‌مانند و یا تاریخ توسعه می‌تواند زمینه‌ساز طرح ایده‌های نو در تعریف توسعه و تدوین شاخص‌های آن باشد.

محققان اقتصادی ممکن است با توجه به علایق و سلاقی خود آینده مورد نظر خود را به عنوان آنچه در آینده اتفاق می‌افتد، تصویر کنند. به نظر می‌رسد که می‌توان با نگاهی به تحولات فکری و اجتماعی در دنیای معاصر این انتظار را داشت که فیلسوفان توسعه اقتصادی در ادامه روند نظریه‌پردازی‌های خود، به رویکردهای انسان‌گرایانه در توسعه، ابعاد جدیدی ببخشند. یکی از زمینه‌های قابل توجه مساله اخلاق توسعه^{۱۳} و همچنین رابطه اخلاق و توسعه^{۱۴} است. ظهور و بروز مشکلات اخلاقی در فرایند توسعه در دنیای معاصر و همچنین احیای ادبیات اخلاق و اقتصاد در مطالعات اقتصادی می‌تواند ما را به این جمع‌بندی برساند که محققان اقتصادی، در سیر تحول اندیشه‌های خود، اخلاق را نیز به عنوان عنصری اساسی در تعریف توسعه و تدوین شاخص‌های آن وارد می‌کنند. این ادعا که در کنار توانمندی‌های آموزشی، بهداشتی و درآمدی، می‌توان از توانمندی اخلاقی به عنوان محور چهارم توسعه و پیشرفت سخن به میان آورد، چندان بی دلیل نیست. امروزه ادبیات اخلاق و اقتصاد شواهد بسیاری در زمینه رابطه مثبت اخلاق و پیشرفت نمایان کرده است. در این چارچوب، اخلاق می‌تواند موجب تسهیل روابط اجتماعی و کاستن از تنش‌های اجتماعی شود و بدین وسیله روند پیشرفت را سرعت ببخشد.

اگر اخلاق به عنوان بعد چهارم توانمندی در ادبیات توسعه اقتصادی وارد شود، معیارها، نماگرها و بالاخره شاخص‌های توسعه نیز دستخوش تحول می‌شود. این تحول از طرفی با معرفی، نماگر توانمندی اخلاقی بروز و ظهور می‌کند و از طرف دیگر نماگرهای درآمد، بهداشت و سواد را نیز تحت تاثیر قرار می‌دهد. توانمندی آموزشی زمانی می‌تواند افراد جامعه را در مسیر پیشرفت قرار دهد که تقویت کنند توانمندی اخلاقی نیز باشند. همین نکته را می‌توان در مورد توانمندی‌های بهداشتی و درآمدی نیز بیان کرد.

دو نگاه

در دهه ۸۰ و ۹۰ میلادی اقتصاددانانی چون آمارتیا سن، به نقد مفهوم فیزیکی و پیامدگرایانه توسعه پرداختند. در نظر آن‌ها نباید توسعه یافتگی را بر اساس محصولات تولیدی ارزیابی کرد، بلکه توسعه یافتگی با قابلیت‌های انسانی مرتبط است. بر اساس این رویکرد انسان‌گرایانه، جامعه‌ای توسعه یافته است که شهروندان آن در زمینه‌های علمی، درآمدی، و بهداشتی از توانمندی بالایی برخوردار باشند

نتیجه گیری

نگاهی موشکافانه به مقوله شاخص‌های توسعه و پیشرفت، این حقیقت را روشن می‌کند که نماگرها و شاخص‌های توسعه دارای بار مفهومی و فرهنگی اند. هنگامی که در ادبیات غربی از نرخ رشد تولید ناخالص ملی به عنوان شاخص توسعه سخن به میان آمد، نگاه‌ها عمدتاً به پیامدهای پیشرفت بود. در این راستا جامعه‌ای پیشرفته تلقی می‌شد که می‌توانست گندم، آهن و اتومبیل بیشتری تولید کند. با بروز آفت‌های توسعه در دوران مدرن، از جمله تشدید فقر جهانی و پرده‌های شدن مشکلات زیست محیطی، محور توسعه از محصول به سمت انسان به عنوان هدف توسعه متمایل شد. در این چارچوب فکری جدید، برنامه‌های توسعه هنگامی موفق عمل می‌کنند که انسان‌ها را از جهت دانشی، بهداشتی و درآمدی توانمندتر کنند. نتیجه‌ی این رویکرد، تعریف شاخص توسعه انسانی به عنوان شاخصی ترکیبی و مشتمل بر نماگرهای بهداشت، سواد و درآمد در ادبیات توسعه شد.

نشانه‌هایی از بروز جهت‌گیری جدید در تدوین شاخص‌های توسعه در دوران پست مدرن به چشم می‌خورد. این چرخش فکری حول

مفهوم آزادی، به عنوان محوری‌ترین اندیشه‌ی نظام لیبرال دموکراسی، شکل گرفته است. آمارتیا سن به عنوان نماینده‌ی فکری این جریان تلاش گسترده‌ای، برای باز تعریف توسعه بر اساس مفهوم آزادی نموده است. این مفهوم سازی ممکن است طلیعه ساز تبدیل شاخص‌های فکری نظام لیبرالی به شاخص‌های توسعه باشد.

این ادعا که می‌توان با احیای گفتمان معنویت و اخلاق در هزاره سوم میلادی، شاخص‌های توسعه و پیشرفت را تکامل ببخشید، سخنی گزافه نیست. اگر توسعه با مقوله اخلاق به عنوان هدف و ابزار توسعه پیوند برقرار کند، آنگاه جهانی را می‌توان پیشرفته تلقی کرد، که در آن شاخص پیشرفت متعالی، مشتمل بر توانمندی اخلاقی، آموزشی، بهداشتی و درآمدی، باشد. این شاخص نه تنها پیشرفت پایدار و توأم با عدالت جهانی را هدف‌گذاری می‌کند، بلکه مفهوم کیفی توسعه را برجسته‌تر می‌کند. شاید زمانی متفکران توسعه به این نتیجه برسند که جوامع پیشرفته زمانی از جلوه‌های پیشرفت کسب رضایت می‌کنند که فرایند رو به جلو رفتن جوامع بشری، بشر را در مسیر معنویت و اخلاق قرار دهد، مسیری که حتی به بهره‌مندی مادی او هم معنا می‌بخشد و روح سرگردان او را آرام می‌کند.

پی‌نوشت

- ۱- عضو هیات علمی موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) tavakoli@qabas.net
- ۲- در این نوشتار نماگر معادل واژه indicator و شاخص به عنوان معادل index به کار رفته است. این تغییر در تعبیر منعکس کننده اختلافی نظری میان اقتصاددانان توسعه در زمینه ارائه معیارهای پراکنده و یا یکپارچه اندازه گیری میزان توسعه یافتگی جوامع است. رک: توکلی ۱۳۹۰ و Sharp ۱۹۹۹
- ۳- Utilitarianism
- ۴- Consequentialism
- ۵- Commitment
- ۶- Capability approach
- ۷- Martha Nussbaum
- ۸- McCloskey
- ۹- Development as growth
- ۱۰- Development as Capability
- ۱۱- Development as Freedom
- ۱۲- Capability approach
- ۱۳- Capability
- ۱۴- سن در مباحث خود میان ۵ نوع آزادی ایزاری تفکیک می‌کند. آن‌ها عبارتند از فرصت‌های اقتصادی، آزادی‌های سیاسی، تسهیلات اجتماعی، شفافیت فعالیت‌ها و حمایت‌های تأمین. رک: Sen ۱۹۹۹.
- ۱۵- Poverty
- ۱۶- Sustainable Development
- ۱۷- Development Ethics
- ۱۸- Morality and development

منابع

استوا، گوستاو ۱۳۷۷. توسعه، در کتاب نگاهی نو به مفاهیم توسعه، ویراسته فرانس ولفگانگ، ترجمه فریده فرهی و وحید بزرگی، تهران: نشر مرکز.

ایلیوت، جینفرای. ۱۳۸۸. مقدمه‌ای بر توسعه پایدار، ترجمه: منصور ابراهیمی، قم: آیین احمد (ص).

توکلی، محمد جواد ۱۳۹۰. درآمدی بر روش‌شناسی تدوین شاخص توسعه و پیشرفت بر اساس گفتمان قرآنی، ارائه شده در همایش ملی شاخص‌های الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، قم: موسسه

آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

توکلی، محمد جواد ۱۳۸۹. امکان‌پذیری الگوی متمایز اسلامی ایرانی پیشرفت، ارائه شده در اولین همایش ملی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، تهران، سسلان همایش‌های صدا و سیما (در حال انتشار).

خلیلیان اشکذری، محمد جمال ۱۳۸۸. شاخص‌های توسعه انسان محور در جامعه مطلوب و آرمانی اسلام، ش ۲۸، ص ۸۷-۶۱.

عیسوی، محمود ۱۳۷۹. مقاله‌ی مبانی نظری و اهداف توسعه اقتصادی در اسلام و غرب، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

گرفین، کنت ۱۳۷۵. راهبردهای توسعه اقتصادی، ترجمه حسین زاغفر و محمد حسین هاشمی، چاپ اول، تهران: نشر نی.

لومفرت، ریچارد ۱۳۷۶. راه‌های گوناگون توسعه، ترجمه احمد مجتهد، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.

متوبیلی، عباس ۱۳۸۲. توسعه اقتصادی، مفاهیم، مبانی نظری، رویکردها گرایبی و روش‌شناسی، تهران: انتشارات سمت.

مصباح‌یزدی، محمد تقی ۱۳۷۲. جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، ج ۲، تهران: مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی.

مصباحی مقدم، غلامرضا ۱۳۷۸. مفهوم توسعه در قرآن و حدیث، مجله دانشگاه اسلامی، ش ۲، ص ۳-۸.

هانت، دایانا ۱۳۷۸. نظریه‌های اقتصاد توسعه، تحلیلی از الگوهای رقیب، ترجمه غلام رضا آزاد از مکی، چاپ اول، تهران: نشر نی.

همبرگ، دانیل ۱۳۷۵. الگوهای رشد اقتصادی، ترجمه مهدی تقوی، چاپ اول، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

Sharp, Andrew, A Survey of Indicators of Economic and Social Well-being, Paper prepared for Canadian Policy Research Networks, July ۱۹۹۹, ۲۲.

Development as Freedom. New York, ۱۹۹۹, Sen, Amartya Kumar Anchor Books

Non-Relative Virtues: An Aristotelian Approach, ۱۹۹۳. Nussbaum, Martha C. Approach, in M. Nussbaum and A. Sen, eds, The Quality of Life, PP ۲۹-۲۴۲. New York: Oxford Clarendon Press.

دو نگاه

- نشانه‌هایی از بروز جهت‌گیری جدید در تدوین شاخص‌های توسعه در دوران پست مدرن به چشم می‌خورد.
- این چرخش فکری حول مفهوم آزادی، به عنوان محوری‌ترین اندیشه‌ی نظام لیبرال دموکراسی، شکل گرفته است. آمارتیا سن به عنوان نماینده‌ی فکری این جریان تلاش گسترده‌ای، برای باز تعریف توسعه بر اساس مفهوم آزادی نموده است